



پنجره‌ای به ادیان

آیین بودای چینی

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

علی فرح بخش

و فلسفی داتوگرایان و پیروان کنفوسیوس در بسیاری موارد متضاد بود. داتوگرایان روند طبیعی زندگی و رهایی از قوانین بی‌شمار اخلاقی را پی‌گیری می‌کردند، در حالی که پیروان کنفوسیوس، اجرای احکام و مراسم منظم اخلاقی و آیینی را سر لوحه خود قرار داده بودند. این دو آیین و بسیاری آیین‌های دیگر که در دوره «صد مکتب» خلق شدند، تأثیرات بسیار عمیقی بر بن‌مایه‌های مذهبی چینیان بر جای گذاشتند.

ورود آیین بودا

ورود رسمی آیین بودای مه‌ایانه به چین، سال ۶۵ میلادی ذکر شده است، اما مسلماً قبل از آن، آیین بودا - نه به صورتی کامل - توسط بازرگانان و تجار جاده ابریشم به چین راه یافته بود. در هر حال ورود رسمی دین بودایی

این دوره نظام‌های اخلاقی و فلسفی بسیاری پدید آمد که تأثیری پایدار در فرهنگ خاور دور به همراه داشت. از برجسته‌ترین مکاتب این عصر مکاتب کنفوسیوس^۲ و داتو^۳ بودند. کنفوسیوس (حدود ۵۵۱ تا ۴۷۹ ق. م) اساساً فیلسوفی سیاسی بود. وی پایه‌های آموزه‌های خود را بر اساس اصول اخلاقی و اجرای مراسم آیینی کهن با رگه‌هایی از اصلاحات، پایه‌گذاری کرد. او را بزرگ‌ترین معلم اخلاقی چین محسوب می‌کنند. مکتب دیگر داتو یا تائو^۴ نام داشت؛ به معنای راه. پیروان آیین داتو، بنیان‌گذار راه را شخصی به نام لائوزه^۵ می‌دانستند که از دیدگاه تاریخی، اطلاعات فراوانی از وی در دست نیست، اما بر طبق احتمالات، گروهی وی را هم‌دوره کنفوسیوس دانسته‌اند و گروهی از محققان نیز وی را شخصیتی خیالی می‌انگارند. اصول اخلاقی

پیش از ورود آیین بودا به چین، چینیان دارای زیرساخت‌ها و بن‌مایه‌های بسیار عمیق و گوناگون فلسفی و اخلاقی بودند. کهن‌ترین دین چینی شناخته‌شده، دین اشراف سلسله شانگ^۱ (قرون چهاردهم تا پانزدهم ق. م) است. از دین مردم عادی در آن عصر اطلاعات فراوانی در دست نیست. آن‌چه مسلم است، این است که نیاپرستی، آیین‌های قربانی و تفال در میان چینیان، دارای دیرینه‌ای بس کهن است. هرچند آثار باستانی از اعمال مذهبی در چین از دوران نوسنگی (حدود ۱۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ق. م) در دست است، نخستین سند ادیان چینی از عصر مفرغ اتخاذ شده.

دوره ایالات متحارب (۴۸۱ تا ۲۲۱ ق. م) دوره ناآرامی و بی‌نظمی سیاسی و تجزیه اجتماعی بود، اما در تاریخ اندیشه چینی، پرشکوه‌ترین عصر به شمار می‌رفت؛ زیرا در



به چین، در زمان پادشاهی امپراتور مینگ از دودمان هان^۷ (۲۰۶ ق. م تا ۲۲۰ م) بوده است. بنابر گزارش‌های تاریخی، شی امپراتور در خواب دید یکی از خدایان بر فراز قصر وی در حال پرواز است. روز بعد، امپراتور رؤیای خود را برای وزیرش بازگو کرد و وزیر دربار، زونگ هو^۸، به پادشاه اعلام داشت که این رؤیا احتمالاً مربوط به بودا در هند است. عده‌ای از گزارش‌نویسان ذکر کرده‌اند که وزیر تعبیر رؤیا را وجود خدایی در غرب تفسیر کرده. (احتمال آن که تفسیر اولیه نیز صحیح باشد وجود دارد و مهر تأییدی است بر آن که قبل از ورود رسمی آیین بودا، چینیان اطلاعات مختصری درباره بودا داشته‌اند.) سپس پادشاه، هیئت متشکل از هجده نفر را به ریاست سای بین^۹، کین چینگ^{۱۰} و وانگ زون^{۱۱} برای جست‌وجوی آیین بودا اعزام داشت. گروه اعزامی به همراه یک پیکره بودا، متون مقدس بودایی و دو راهب برجسته، به چین بازگشتند. (بنابر گزارش‌های تاریخی، ورود هیئت به چین از مرز افغانستان صورت گرفت.) دو راهب برجسته که بعدها اولین متون بودایی را به زبان چینی ترجمه کردند، کاسیپاماتانگا^{۱۲} و دارماوانیا^{۱۳} نام داشتند. (نام آن‌ها موتون^{۱۴} و چوفارلان^{۱۵} نیز ذکر شده است.) امپراتور پس از بازگشت هیئت اعزامی، دستور ساخت معبدی با نام اسب سفید را ابلاغ کرد. این نام به یاد اسبی که متون مقدس را تا چین حمل کرد به معبد داده شد و ساختمان معبد در سال ۶۸ میلادی در غرب لوئویانگ^{۱۶}، پایتخت امپراتوری، شکل گرفت که به عنوان اولین معبد بودایی چین شناخته می‌شود و امروزه در دوازده کیلومتری شرق شهر جدید لوئویانگ در استان هنان^{۱۷} واقع است که محیطی در حدود سیزده هکتار را شامل می‌شود. پس از ساخت معبد، آیین بودا به آرامی در سراسر چین گسترش یافت.

گسترش آیین

دین بودایی از معدود فلسفه‌های بنیادین خارجی است که به چین راه یافت و گسترش پیدا کرد. هیچ یک از تفکرات خارجی وارد شده به چین، چنین تأثیر عمیقی در فرهنگ، آیین‌ها، رسوم و باورهای چینیان برجای نگذاشتند. علی‌رغم تضادهای ساختاری بودیسم با مکانی چون کنفوسیوس و دانو، این مکتب توانست به‌خوبی در ساختار زندگی

مردمان چین راه یابد. یکی از علل گسترش موفقیت‌آمیز آیین بودا، گرایش و پذیرش دینی تمامی اقشار جامعه بود. لذا تمامی اقشار فرهنگی و طبقاتی جامعه، به آیینی سوق یافتند که شعار برابری و یکسانی را به ارمان آورده بود. چینیان با نبوغ خاص خود، علاوه بر حفظ زیرساخت‌های دینی کهن خود، آیین بودا را نیز پذیرا شدند و خدایان تازه‌ای را خلق کردند. هرچند گسترش دین بودایی در ابتدا روند کندی را طی کرد، توانست جایگاه مستحکمی را کسب کند؛ هرچند که در طی سالیان با ضربات سهمگین داخلی و خارجی نیز مواجه شد.

سیر تحولات آیین

آیین بودا در ابتدا دینی درباری بود و تنها درباریان به آن گرایش داشتند. این امر ریشه اختلافات بسیاری را در عهده‌های بعد از دودمان هان به همراه داشت؛ زیرا گروه کثیری از درباریان و حتی عوام با گرایش‌های کنفوسیوسی می‌زیسته و از این رو به مقابله با آیین بودا برخاستند. این مقابله گاه به صورت جنگ‌های سرد سیاسی و گاه به طرق خشونت‌آمیز صورت می‌گرفت. ترجمه آثار بودایی و تبلیغ آیین بودا در دوره هان تقریباً به کلی کار خارجیان بود. سقوط امپراتوری هان (۲۲۰ میلادی) و تجزیه‌ها و حملات بربرها که پس از آن روی داد، راه را برای آیین بودایی هموار کرد و انقلابی مذهبی به وجود آورد که در دوره‌ای که تاریخ‌نویسان کنفوسیوسی آن را «عصر هرج و مرج» خوانده‌اند، مهم‌ترین تکامل به شمار می‌رفت. در هنگامی که مترجمان هندی با تعداد روزافزونی از همکاران چینی، همچنان مشغول کار عظیم ترجمه متون سانسکریت به چینی بودند، فرمانروایان تاتار در شمال، راهبان بودایی را در ایالات متصرفی، مشمول عنایات خود می‌کردند.

در قرون چهارم و پنجم میلادی، آیین بودایی در شمال چین فوق‌العاده ترقی کرد. به سبب آن که این منطقه با راه تجارته آسیای مرکزی مربوط بود و از آن‌جا با هندوستان رابطه برقرار می‌کرد، طبعاً مبلغان هندی به آن بیشتر توجه می‌کردند. این روند بدین متوال نماند و پس از مدتی، مخالفت‌ها دوباره آغاز شد. در سال ۴۶۶ میلادی فرمانروای امپراتوری شمالی، فرمانی علیه بوداییان صادر کرد و صدمات بسیاری را به دیرها و بوداییان

وارد آورد. تاریخ‌نویسان معترف‌اند که در سال ۴۰۵ میلادی از هر ده خانواده در امپراتوری شمالی، نه خانواده به آیین بودایی درآمدند. یک دهم افراد غیربودایی تقریباً نماینده طبقه تحصیل‌کرده کنفوسیوسی و پیروان تائویی بودند که به مذهب جدید نپیوستند. در سال ۵۰۰ میلادی در سرتاسر چین آیین بودایی حضور داشت. معابد و دیرهای بودایی در تمامی کشور ساخته شد و گروه کثیری از کاهنان و راهبان در آن‌ها سکونت داشتند و بسیار مورد احترام بودند. البته در این میان چینیان هنوز به سنت‌های دیرین و گروهی از آداب و رسوم کهن خود پای‌بند بودند و تا امروز نیز این روند را حفظ کرده‌اند.

در سال ۵۱۷ میلادی، نخستین تری پیتاکا^{۱۸} یا مجموعه متون بودایی با حمایت امپراتور لیا وو دی^{۱۹}، مشهورترین خاقان چین جنوبی، تهیه و منتشر شد. در سال ۵۳۳ میلادی نیز، یکی از فرمانرویان ایالات شمالی به نام شیائو وو^{۲۰} نسخه دیگری از تری پیتاکا را انتشار داد. متحد شدن شمال و جنوب در زمان سلسه سوئی^{۲۱} در سال ۵۸۹ میلادی و تحکیم یک امپراتوری مجدد به وسیله خاندان تانگ^{۲۲} در سال ۶۱۸ میلادی بار دیگر بر اهمیت آیین بودا افزود. اگرچه محققان کنفوسیوسی در صدد بر آمدند قوانینی بگذارند که به موجب آن‌ها تعداد کاهنان و صومعه‌ها محدود شود، ولی در این راه موفقیت فراوانی به دست نیاوردند و آیین بودایی، تحت حمایت دربار ترقی کرد و به صورت مذهبی ملی در آمد و شعبه‌های نیرومند تازه‌ای پیدا کرد.

در سال ۶۵۷ میلادی یک زائر بسیار معروف به نام یوان چونگ^{۲۳} پس از شانزده سال اقامت در هند، به چین بازگشت و آثار ارزشمند بسیاری را به ارمان آورد. دوره تانگ اوج شکوفایی هنر و فرهنگ در چین بود. در اواخر دوره تانگ نیز کتاب‌های مصور به صورت عمومی به چاپ رسید و این پیش‌رفت در مصورسازی کتب مذهبی و بودایی جلوه‌گر شد.

تا اواخر سلسله تانگ، آیین بودایی، که به طور چشم‌گیری بر اثر عقاید و افکار چینیان تغییر یافته بود، در فرهنگ چین جایی پایدار به دست آورد که هرگز متزلزل نشد. اگرچه محققان کنفوسیوسی، مانند هان یو^{۲۴} (۷۶۸ تا ۸۲۴ میلادی) در دوره تانگ و تعداد بسیاری از افراد دیگر در دوره‌های بعد، با آن مخالفت



می‌کردند، ولی توده مردم، آیین بودایی را بنا بر سلیقه خود قبول داشتند و بودا را با حکیمان و خدایان ملی خود برابر می‌دانستند. پس از سلسله تانگ، آیین بودا تقریباً سیر یک‌نواختی را طی کرد. در این میان مکاتب بودایی بسیاری خلق شد و خدایان متعددی شکل گرفتند.

در عهد سونگ^{۲۵} (۹۶۰ تا ۱۲۷۹ میلادی) دین کنفوسیوس، بار دیگر تجدید حیات یافت. در این دوران که به «نوکنفوسیوس باوری» معروف است، بار دیگر باورهای کنفوسیوسی گسترش یافته اما آیین‌های بودایی و داتویی نیز همچنان مانند قبل عمل کرده و محبوبیت داشتند. در این میان، آیین بودایی^{۲۶} (در ژاپنی: ذن^{۲۷}) ناگهان ترقی کرد و گسترش بسیاری یافت. روند گسترش آیین‌ها و مکاتب گوناگون بودایی همچنان با تلاطم‌های تاریخی پیش رفت.

انقلاب فرهنگی، نقطه عطف دین‌گرایی در چین بود. بسیاری از معابد بودایی تخریب شد یا به صورت متروک در آمد و گروهی نیز به کارخانه تبدیل شدند. شمار فراوانی از راهبان بودایی تبعید شدند یا زندگی معمولی را پیش گرفتند. پس از گذشت چند دهه، دوباره شعله‌های بودیسم افروخته شد، اما نه مانند قبل. امروزه بیش از صد میلیون بودایی در چین ساکن اند و معابد بودایی بسیار ارزش‌مندی نیز فعال اند و گذشته از جنبه‌های مذهبی، مراکزی هستند برای بازدید گردش‌گران متعدد داخلی و خارجی.

مکتب بودایی چن

مکتب بودایی چن (در ژاپنی: ذن)، از مکاتب برجسته بودایی در چین محسوب می‌شود. بنیان‌گذار این آیین، شخصی به نام بودی دارما^{۲۸} بود. وی احتمالاً در سال ۴۴۰ میلادی در هند زاده شد و به مدت چهل سال نزد استاد بزرگ بودایی در هند، پراجاناتارا^{۲۹} تعلیم دید. وی حدوداً در سال ۵۲۰ میلادی به جنوب چین عزیمت کرد. پس از سفری طولانی به سوی شمال چین، در انتهای راه، در معبد شائولین^{۳۰} در استان هنان سکنا گزید. وی در مسیر سفرش به هنان، با اندیشه‌های مکتب دائو آشنا شد و پس از آن، از تلفیق دو مکتب بودایی و داتویی، مکتب چن را در معبد شائولین پایه‌گذاری کرد و به آموزش رهروان پرداخت. پایه‌های مکتب چن بر اساس مراقبه سازمان‌یافته و عدم اتصال به عناصر ذهنی رنج‌آور شکل گرفت. با آن‌که

آیین بودا و دائو با یکدیگر متفاوت بودند و گاه متضاد می‌نمودند، باهم تلفیق یافتند. بسیاری بر این باورند که چن، فرزند پدری داتویی و مادری بودایی است. این آیین به سرعت در سراسر چین گسترش یافت و پیروان بسیاری را جذب کرد. امروزه اساتید چن در سراسر جهان به تعلیم رهروان می‌پردازند. این مکتب از مکاتب بودایی مهیانه محسوب می‌شود ولی همواره از آن به عنوان یک طریقت یاد شده؛ طریقتی که تمامی افراد با هر مذهب و عقیده‌ای می‌توانند به آن روی آورند. در این طریقه، مراقبه در وضعیتی نشسته، همانند وضعیت مراقبه بودا صورت می‌گیرد.

بنیان‌های فلسفی آیین بودای چینی

آیین بودا پس از ورود به چین، تغییرات بسیاری یافت. چینیان با شگردهای خاص خود، علاوه بر حفظ سنت‌های دیرینشان، دین بودایی را پذیرفتند و بنا بر ایده‌آل‌های فرهنگی خود، آن را تغییر دادند. آیین بودا، که در اصل مبانی فلسفی خود، مخالف خدایان بود، ناگهان غرق در خدایان متعدد شد و در این میان، گاه خود بودا نیز در مقام خدایی، مورد پرستش قرار می‌گرفت. چینی‌ها حتی گاه جنسیت خدایان را نیز تغییر دادند. برای مثال رب‌النوع اولکیشوره^{۳۱}، که در هند خلق شده بود و بودی ستوه‌ای^{۳۲} مذكر بود، پس از حرکت به سوی چین تغییر جنسیت یافت و به خدا بانویی بسیار محبوب، به نام گوان‌یین^{۳۳} تبدیل شد. چینیان علاوه بر چنین ابتکارهایی به خلق بودی ستوه‌های گوناگون نیز پرداختند. بوداییانی که بیشتر خداگونه بودند تا موجوداتی انسانی. این بودایان یا خدایان، برای تمام امور دنیوی از قبیل کشاورزی، آشپزی، جنگ، هنر و... شکل یافتند و در پس هر کدامشان داستان و افسانه‌های خارق‌العاده خلق شده بود. تعلیم بودا با آموزه‌های کهن چین در هم آمیخت و در این رهگذار مکاتب بودایی بسیاری خلق شدند و طرف‌دارانی را گرد هم آوردند. از این رو ذکر یک زیرساخت فلسفی بودایی در چین، کار دشواری است؛ زیرا در هر زمان و فرهنگ، ساختارهای فلسفی آیین نیز تغییر می‌یافت. گسترش آیین در میان عوام، سیر گسترش باورها، خرافات و دیدگاه‌های گوناگون و متفاوت را در جامعه به ارمغان آورد. اما در این گیرودار، آن‌چه در حالتی پایه‌ای، تمرکز آیینی بوداییت را حفظ کرده بود، اصول اخلاقی ساده و

کوتاه بودا بود. نوآوری‌های فرقه‌های گوناگون بودایی، تنها شبیه به برگ‌های درختی بود که تمامی‌شان متصل به یک تنه مرکزی بودند.

صاحب‌نظرانی چون بتاتریس لین سوزوکی (همسر د.ت. سوزوکی) بر این باور بوده‌اند که سرزمین هند، بستر مناسبی برای رویش آموزه‌های بودا، خصوصاً آیین بودای مهیانه نبود. هندیان مردمانی بسیار مابعدطبیعی و آنسوگرا و جویای چیزهای فراجاهانی‌اند. در مقابل، چینیان بیش از هر چیزی، مردمی اهل عمل و اخلاقی و تاریخ‌اندیش‌اند. از این رو حرکت اصول فلسفی مهیانه از هند به چین، بستر جدیدی را مهیا کرد که آیین بودا بار دیگر تولد یابد.

آیین بودا تشابه‌هایی با آیین دائو داشت، اما از نقطه‌نظرانی با اصول اخلاقی چینیان مغایر بود. اجتناب از ازدواج در میان راهبان بودایی، سنت احترام و نکوداشت ارواح نیاکان را - که نزد چینیان بسیار رایج و محترم بود - خدشه‌دار می‌کرد؛ زیرا سبب می‌شد که نسلی از راهبان بر جای نماند. در این راستا عدم اشتغال رهروان برای تهیه معاش نیز برای چینیان پذیرفتنی نبود. در حالی که این امر برای هندیان معمول بود.

در این گذار، چینیان به علت تشابه‌هایی که میان آیین بودا و دائو وجود داشت، بر آن شدند تا آیین بودایی را آن‌گونه که خود مایلند بپذیرند و در این میان رفته رفته آیین بودای هندی مهیانه به آیین بودای چینی تغییر شکل داده شد. مترجمان چینی نقش بسزایی را در این دگرگونی ایفا کردند. آنان متون بودایی را بنا بر منابع فکری خود ترجمه کردند و البته روند گسترش تعلیم مهیانه به سبک و سیاق چینی آن، مدت زمان بسیاری را صرف کرد.

بزرگ‌ترین شخصیتی که اندیشه مهیانه را واقعاً برای چینیان پذیرفتنی و دلنشین کرد، کوماره جیوه بود که در ۴۰۱ میلادی در بیست و هشت سالگی به چانگ‌آن، وارد شد و به همراه شاگردان اندیشمندش، در مدت دوازده سال سی و پنج سوره و شاستره را ترجمه کرد که حاوی سیصد جزوه بود. ترجمه‌های وی برای چینیان و ذهنیت چینی بسیار پذیرفتنی بود. پس از او پرم آرته (۵۶۹ - ۴۹۹) روشن‌گر بزرگ مهیانه بود که در ۵۴۶ میلادی به جنوب چین رفت و با پذیرش مشقات و رنج‌های بسیار، موفق به ترجمه هشتاد متن شد. جیبی (۵۹۷ - ۵۳۸) از اولین افرادی بود که به



11. Wang Zun.
12. Kasyapamatanga.
13. Dharmavanya.
14. Moton.
15. Chufarlan.
16. Luoyang.
17. Henan.
18. Tripitaka.
19. Lang Wu Ti.
20. Hsiao Wu.
21. Sui.
22. Tang.
23. Yuan Chuang.
24. Han Yu.
25. Song.
26. Chan.
27. Zen.
28. Bodhidharma.
29. Prajnatar.
30. Shaolin.
31. Avalokhitesvara.
32. Bodhisattva.
33. Guan Yin.
34. Chen Yen.
35. Tantric.
36. Cheng se.
37. Satysiddhi.
38. Chu she.
39. Ching tu.
40. Sukhavati.
41. San lun.
42. Tri Sastra.
43. Fa siang.
44. Fa hua.
45. Lu tsung.
46. Hua Yen.
47. Mao Tse tung.

پس از انقلاب مائو^{۴۷}، دین‌گرایی در چین نزولی بی‌سابقه یافت. اما اساساً دین‌گرایی در شرق دور با آن‌چه در جهان رسمیت دارد متفاوت است. یک فرد چینی ممکن است در آن واحد سه دین داشته باشد و یا فاقد دین بوده اما به زیارت یک معبد برود. برای یک چینی غیرمتعصب، داشتن یک دین صرفاً امری الزامی نیست. چینیان بیشتر با باورها و سنت‌ها زندگی می‌کنند و نه با قوانین دین، که البته این امر در مورد افراد تک‌دینی چین یا افراد متعصب، عمومیت ندارد.

برای یک چینی، شکم پر و لب خندان، شاید تنها دینی باشد که بر آن مصر است و مقدم بر تمامی فلسفه‌های دنیاست.

منابع:

۱. ا. ادلر، جوزف، دین‌های چینی، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، ۱۳۸۳؛
۲. پاین، رد، تعلیم دین بودیدارما، ترجمه نامدار نادری، انتشارات بهجت، ۱۳۸۲؛
۳. جای، چو و جای، وینبرگ، تاریخ فلسفه چین، ترجمه ع. پاشایی، نشر گفتار، ۱۳۶۹؛
۴. جرالد، فیتز، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷؛
۵. سوزوکی، بثاتریس لین، راه بودا، ترجمه ع. پاشایی، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۰؛
۶. هاکینز، برادلی، دین بودا، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز،
۷. askasia.org
۸. buddhanet.net
۹. depts.washington.edu
۱۰. en.wikipedia.org
۱۱. hinduwebsite.com
۱۲. villa.lakes.com

پی نوشت:

1. Shang.
2. Confucius.
3. Dao.
4. Tao.
5. Lao zi.
6. Ming.
7. Han.
8. Zhong Hu.
9. Cai Yin.
10. Qin Jin.

نظرپردازی و بیان اندیشه‌های چینی مهیانه پرداخت و مکتب فاهوآ (تیئن دایی و در ژاپنی: تن دایی) را بنیادگذارد.

همچنین جی زانگ (۶۲۳ - ۵۴۹) و فازانگ (۷۱۲ - ۶۴۳) نیز مکاتب سان لون و هوآیین را پایه‌گذاری کردند. به این ترتیب، اندیشه‌های مهیانه توسط چینیان متحول شد و آیین بودای چینی به شکلی که با سبک هندی آن تفاوت‌های بسیاری داشت، شکل گرفت. به این ترتیب مکتب تیئن دایی و فلسفه فازانگ واقعاً سعی چینیان بود در گرداندن آیین بودای هندی به آیین بودای چینی. در چین، روح آیین بودا در مهیانه نمایان شده نه در هیینه یانه؛ زیرا مهیانه از نظر روحی و عقلی آن نیروی حیاتی را دارد که بتواند انگیزه‌ای برای ذهنیت چینی باشد. مهیانه هندی در چین از یک سو تبدیل به مکاتبی چون چن و که گون و تن دایی شد و از سوی دیگر به مکتب چینگ تو (به ژاپنی جودو). در طی سالیان، مکاتب بسیاری خلق شد که گاه ریشه‌ای هندی داشته و گاه کاملاً چینی بودند.

مکاتب بودایی چین

از مکاتب بودایی چین، ده مکتب برجسته و شاخص به ترتیب حروف الفبا در ذیل ذکر شده است:

۱. مکتب بودایی چن (یا مکتب مراقبه)؛
۲. مکتب بودایی چن یین^{۳۴} (یا مکتب تانتریک^{۳۵})؛
۳. مکتب بودایی چنگ سی^{۳۶} (یا مکتب ساتی سیدهی^{۳۷})؛
۴. مکتب بودایی جوشی^{۳۸} (یا مکتب واقع‌گرایان)؛
۵. مکتب بودایی چینگ‌تو^{۳۹} (یا مکتب دیارپاک^{۴۰})؛
۶. مکتب بودایی سان لون^{۴۱} (یا مکتب سه رساله^{۴۲})؛
۷. مکتب بودایی فا سیانگ^{۴۳} (یا مکتب ایده‌آلیست‌ها)؛
۸. مکتب بودایی فاهوآ^{۴۴} (یا مکتب نیلوفر سفید)؛
۹. مکتب بودایی لو تسونگ^{۴۵} (یا مکتب انضباط)؛
۱۰. مکتب بودایی هوآیین^{۴۶} (یا مکتب تاج گل).

مؤخره

به یاد دارم که چند سال پیش از یک دوست چینی پرسیدم: «دینت چیست؟» در جواب گفت: «نمی‌فهمم.»